

را داراست. از آنجاکه رابطه بین دولت‌های برتر و دولت‌های ضعیف‌تر در هر نظام بین‌المللی هم از نظر قدرت و هم از نظر وابستگی متقابل میان آن‌ها نامتقارن است، اصل منزلت انسان به دولت‌های ضعیف‌تر اجازه می‌دهد از طریق مبادله خواسته‌های نامتقارن با امنیت پایدار، به منافع حاصل از اتحاد با یک دولت پیشتاز دست یابند.^{۷۵} به این ترتیب، تحت چنین الگویی، حمایت بین‌المللی از یک دولت پیشتاز نوظهور، ثبات و دوام بیشتری خواهد داشت.

نتیجه‌گیری ارزش‌های غالب بین‌المللی نقشی هدایتگر در تثبیت هنجارهای بین‌المللی بازی می‌کنند. مطابق این قاعده، ناگزیر افول لیبرالیسم چالش‌هایی را برای نظم بین‌المللی کنونی ایجاد خواهد کرد، نظمی که پس از جنگ سرد بر مبنای هنجارهایی شکل گرفت که تحت هدایت «لیبرالیسم آمریکایی» تثبیت شده بودند. ارزش‌های لیبرالیسم، که برای سه دهه از جایگاهی مسلط برخوردار بوده‌اند، اکنون با ظهور ایدئولوژی‌های رقیب (استقراریستی در ایالات متحده، پوپولیسم در اروپا، ارزش‌های سنتی در چین، بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه و ملی‌گرایی اقتصادی هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در کشورهای در حال توسعه) به چالش کشیده می‌شوند. اگرچه هنوز روشن نیست چه ایدئولوژی‌ای جای لیبرالیسم را به مثابه ارزش جدید جریان اصلی جهانی خواهد گرفت، ایدئولوژی رسمی یک دولت در حال ظهور بیشترین شانس را برای تبدیل شدن به ایدئولوژی مسلط خواهد داشت؛ چراکه کشورهای محروم‌گرایش دارند که از کشورهای دارا تبعیت کنند. از آنجاکه در حال حاضر چین یک نامزد برجسته و شاخص به این منظور است، ایدئولوژی‌هایی که برای نفوذ در سیاست‌گذاری‌های چین با یکدیگر رقابت می‌کنند - مارکسیسم، پراگماتیسم اقتصادی و سنت‌گرایی - شایان توجه‌اند، اما چون هنوز هیچ‌یک از این ایدئولوژی‌ها ثابت نکرده‌اند که می‌توانند به اندازه لیبرالیسم در سطح جهانی مؤثر باشد، خیلی زود است که بخواهیم آینده آن‌ها را پیش‌بینی کنیم.

در حال حاضر، ترکیبی از ارزش‌های لیبرالیستی و ارزش‌های سنت چینی با یک شالوده ارزش جدید در سطح بین‌المللی، استقرار یک نظم هنجارین بین‌المللی بهتر را تسهیل خواهد کرد. لیبرالیسم اگرچه در حال افول است هنوز بیش از هر ایدئولوژی دیگری در این زمان تأثیرگذار است، اما ظهور چین، هم‌زمان نفوذ بین‌المللی ارزش‌های سنتی چین را گسترش خواهد داد. این دو عامل شانس ترکیب ارزش‌های سنت چینی یعنی خیرخواهی، درستکاری و آداب، با ارزش‌های لیبرالیستی برابری، دموکراسی و آزادی، و بنابراین روزآمدسازی ارزش‌های چینی در قالب سه اصل انصاف، عدالت و

ODA.OECD-FfDO.IATF-Issue-Brief.pdf.

52. See Steve Paulson, et al., 'The Moral Animal: Virtue, Vice, and Human Nature', The Annals of The New York Academy of Sciences, Vol. 1384 (2016), pp. 39-56.

53. Charles Horton Cooley, Human Nature and the Social Order (New Brunswick: Transaction Publishers, 2009), pp. 422-23.

54. Book XVI: Ji Shi, 'The Confucian Analects', in Yao Youzhi and Yan Qiying, ed., 'Zhonghua san jing' [Three Chinese Classical Books] (Shanghai: Shanghai wenhua chubanshe, 2014), p. 46.

55. Cheng Keqin, "'Musilin de wuzhi' fengbo de beihou" [Behind Innocence of Muslims], Guangming ribao (Guangming Daily), 22 September 2012, p. 8, http://epaper.gmw.cn/gmrb/html/201222/09-1/nw.D110000gmrb.20120922_508-.htm?div4-1.

56. Xun Kuang, '5: fei xiang' [Chapter 5: Contra Physiognomy], 'Xunzi quan yi' [Full Translation of Xunzi], trans. Jiang Nanhua, Luoshu Qin and Yang Huanqing (Guiyang: Guizhou renmin chubanshe, 1995), p. 73.

57. Allison, 'China vs. America', p. 81.

58. Ibid.

59. National Security Strategy of the United States of America (Washington D.C: White House, 2017), p. 25, <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2017/12/NSS-Final-120905-2017-18-.pdf>.

60. Yan Xuetong, Ancient Chinese Thought, Modern Chinese Power (Princeton: Princeton University Press, 2011), pp. 43, 47-51, 86-88.

61. Ibid., pp. 50-51, 88-89.

62. Robert Kagan, 'The Benevolent Empire', Foreign Policy, No. 111 (1998), p. 26; Eric Koo Peng Kuan, 'The US as Benevolent Hegemon', Asia Times, 23 September 2004, http://www.atimes.com/atimes/Front_Page/FI23Aa01.html.

63. Ibid.

64. Jiang Nanhua, Luo Zhuqin and Yang Hanqing, '9: wang zhi' [Chapter 9: Humane Governance], Full Interpretation of Xunzi, p. 146.

65. 'Gongsun Chou 1', Mencius, p. 45.

66. Shi Yongzhi, 'Neisheng waiwang xinquan' [A New Interpretation of Neisheng Waiwang], Zhouyi yanjiu (Studies on Zhouyi), No. 5 (2015), pp.